

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران دوره صفویه<sup>۱</sup> ابوطالب سلطانیان<sup>۲</sup>

### چکیده

موضوع این مقاله بررسی نقش ارامنه در بازرگانی خارجی ایران در دوره شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) و جانشینان وی است. پس از مهاجرت ارامنه از مناطق مرزی به داخل فلات ایران، گروه‌هایی از آنان که از جلفای ارس به اصفهان انتقال یافته بودند، توجه شاه‌عباس را جلب کردند. اینان، پس از انحصاری شدن تجارت ابریشم، در بازرگانی خارجی ایران به خدمت گرفته شدند، بنابراین بررسی علل اتخاذ سیاست انحصار ابریشم توسط شاه‌عباس و رویکرد وی به ارامنه برای اجرای چنین سیاستی بخشی از این نوشته را تشکیل می‌دهد. با این همه، نقش و کارکرد ارامنه در بازرگانی خارجی ایران به‌ویژه در تجارت ابریشم در این دوره حائز اهمیت است. از این‌رو، بخش اصلی این مقاله به بررسی کارکرد ارامنه در تجارت خارجی و به ارزیابی موفقیت آنان در این حوزه می‌پردازد. سرانجام، تأثیرات لغو سیاست انحصار در دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) بر تولید و تجارت ابریشم و وضع ارامنه در روزگار پایانی صفویان تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی: ارامنه، مهاجرت، ابریشم، بازرگانی خارجی، انحصار.

---

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۵  
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه گیلان  
E-mail: soltanian@guilan.ac.ir

## مقدمه

تاکنون پژوهش‌هایی درباره نحوه زندگی ارامنه در ایران، به ویژه در اصفهان انجام شده است، اما چگونگی مهاجرت آنان به داخل ایران و سهم آنان در بازرگانی خارجی ایران در دوره صفویان متأخر چندان دقیق بررسی نشده است. ارامنه در پی استراتژی نظامی شاه‌عباس یکم از موطن اصلی خود، یعنی نقاط مرزی شمال غربی ایران و ارمنستان به داخل فلات ایران مهاجرت کردند. شاه‌عباس برای محو امکانات در مسیر دشمن و جلوگیری از کشته‌شدن ارامنه در مناطق جنگی درصدد انتقال آنان به نقاط گوناگون ایران، از جمله اصفهان برآمد. ارامنه جلفای اصفهان، پس از آنکه در اقامتگاه نوین خود سامان یافتند، به فرمان شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) به چرخه بازرگانی خارجی ایران وارد شدند و سهم مهمی در بازرگانی خارجی ایفا کردند. از این‌رو، بررسی توانایی‌ها و ویژگی‌های ارامنه در امور بازرگانی و چگونگی کارکرد آنان در این حوزه موضوعات این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

به کار گرفتن ارامنه در بازاریابی و تجارت خارجی ابریشم از ابتکارات شاه‌عباس یکم و به منظور تقویت اقتصادی و سازمان‌دهی نهادهای نظامی و اداری کشور بود. اتخاذ چنین سیاستی نه تنها سبب دگرگونی عظیمی در روند بازرگانی خارجی ایران شد، بلکه تاحدی روابط سیاسی این دوره را تحت تأثیر قرار داد. صنعت ابریشم و بازرگانان ارمنی آن شاه‌عباس و تا حدی جانشینان وی را از استقلال مالی برخوردار کرد، زیرا از راه فروش ابریشم در بازارهای جهانی سود فراوانی نصیب ایران می‌شد.

بنابراین چنین پرسش‌هایی مطرح می‌شود که سیاست انحصار ابریشم با چه اهدافی اتخاذ شد و چه پیامدهایی داشته است و چرا شاه‌عباس در اجرای این سیاست به ارامنه روی آورد، کامیابی‌ها و دستاوردهای ارامنه در بازرگانی خارجی ایران چگونه و به چه

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۰۹

مقدار بوده است. بدین روی فرض بر این است که ارامنه با تجاری که در کار تجارت داشته‌اند و با ویژگی‌های فردی و زیستی خود توانستند در حوزه بازرگانی خارجی ایران بدرخشند و حتی با کمپانی‌های هند شرقی اروپا به رقابتی سخت برخیزند. این نوشته می‌کوشد تا موضوعات یادشده را با رویکرد نوین تاریخی تحلیل و بررسی کند. در عین حال بررسی مسائلی از این دست می‌توانند ما را در درک بهتر آرمان‌های حاکم بر اوضاع اقتصادی - سیاسی این دوره و شناخت بیشتر پیامدهای آن یاری رساند.

### نگاهی به وضعیت اقتصادی - اجتماعی ارامنه و علل مهاجرت آنان

ارامنه پیش از مهاجرت در موطن اصلی و تاریخی خود در نواحی مرزی شمال و شمال غربی ایران، یعنی ارمنستان و گرجستان و نواحی شیروان و نخجوان و جلفای ارس، سکونت داشتند. آنان بزرگ‌ترین جمعیت مسیحیان ایران را تشکیل می‌دادند و وابسته به کلیسای «گریگوری» بودند. اسقف آنان در اچمیازین، واقع در ایالت چخورسعد (ایروان)، اقامت داشت که جزو خاک ایران به شمار می‌رفت (لاکهارت، ۱۳۶۸: ۸۶). به اعتبار منابع، ارامنه قومی تجارت‌پیشه بوده‌اند و پیش از مهاجرت در موطن اصلی خود از ثروت و مکنت برخوردار بودند؛ حتی عده بسیاری از آنان در همان سرزمین‌های اولیه خود به تجارت ابریشم می‌پرداختند و از این راه ثروت فراوانی اندوخته بودند. برای مثال، درباره وضع اقتصادی آنان در یکی از فرامین شاه‌عباس یکم، که برای پشتیبانی آنان صادر شده بود چنین آورده شده است: «جمعی که به جهت خاطر ما از وطن چندین هزارساله خود جدا شده و خروار خروار از زر و ابریشم را گذاشته به خانه شما آمده‌اند... در جولاه (جلفای ارس) خانه بود که دو هزار تومان خرج

آن کرده بودند، آن را خراب نموده کوچ خود را برداشته بدانجا آمده اند ...» (رائین، ۱۳۴۹: ۱۱۵-۱۱۶).

همچنین هنگامی که تبریز پایتخت صفویان شده بود، عده بسیاری از ارمنیان در آنجا به تجارت مشغول بودند و از نقاط گوناگون کالا به تبریز وارد و یا از آنجا به نواحی دیگر صادر می‌کردند (سفرنامه های ونیزیان در ایران، ۱۳۸۱: ۴۱۲-۴۱۳). ارامنه در زمان شاه طهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴ق) در تجارت با ترکان و ونیزیان و بازرگانان انگلیسی شرکت مسکوی (Moscovy co) به رقابت می‌پرداختند و در مقایسه با آنان به علت بومی بودن از آگاهی و امکانات بیشتری برخوردار بودند. ارامنه آشنایی بیشتری به راه‌ها و شهرها و اوضاع تجاری محلات گوناگون داشتند که بازرگانان بیگانه از آن محروم بودند (Cambridge, 1986: 434-435). گذشته از تجارت، ارامنه در صنایع نیز دستی داشته‌اند و سفارش‌هایی از دربار نیز به آنها داده می‌شد. برای مثال حمزه میرزا، فرزند سلطان محمد خدابنده (۹۸۵ - ۹۹۵ق)، در سال ۹۹۳ق طی فرمانی خطاب به کدخدایان جلفای قدیم آنان را به ساختن شمشیرهای سلطنتی مأمور کرده بود؛ یکی از این شمشیرسازان مشهور استاد سیمون نام داشت (رائین، ۱۳۴۹: ۱۲۲).

علت اصلی مهاجرت یا کوچ اجباری ارامنه از سرزمین‌های اصلی خود جنگ‌ها و درگیری‌های طولانی میان دو امپراتوری ایران و عثمانی بود. در سراسر قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی، به طور پی در پی ارمنستان و گرجستان و آذربایجان میدان نبرد ایران و عثمانی بود. از لحاظ تاریخی نیز ارمنستان منطقه مرزی مهم و استراتژیکی به‌شمار می‌رفت و پیوسته مورد منازعه میان دو امپراتوری متخاصم بود که پیامدهای ویرانگری برای مردم و اقتصاد این منطقه به همراه داشت. در واقع، جنگ‌های این دو امپراتوری ضربه‌های خردکننده‌ای بر مردم و اقتصاد این ناحیه وارد می‌کرد. گذشته از

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۱۱

اینها، تسنن و تشیع، مبارزه برای اهداف مذهبی، سیاسی و اقتصادی، ابزار به کار گرفته شده برای دست یافتن به این اهداف سبب مهاجرت و کاهش جمعیت و تخریب شهرها و روستاها و منابع اقتصادی نواحی مذکور شد (Gregorian, 1974 : 659). کوچاندن اقوام این نواحی و هنرمندان و تجار و صنعتگران آنان نه تنها به دست ایرانیان، بلکه توسط عثمانیان صورت می‌گرفت؛ هنگام اشغال تبریز در ۹۲۰ق به دست سلطان سلیمان، او غنایم فراوانی به دست آورد، و در حدود ۳هزار خانواده از صنعتگران را، که اغلب ارمنی بودند، کوچاند و در استانبول اسکان داد (Gregorian, 1974 : 659).

در زمان شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق) هدف از کوچاندن ارامنه نواحی مرزی ایران خالی کردن آن مناطق از سکنه به دلیل مسائل نظامی، اقتصادی و انسانی بود. پیترو دلاواله درباره علت کوچاندن ارامنه به جلفای اصفهان نوشته است: «شاه دستور داده است این عده را از نقاط مختلف به اصفهان کوچ دهند تا در حوالی مرزهای مجاور ترک‌ها نباشند و خطر از دست رفتن و اسارت آنان به دست ترک‌ها منتفی شود. به‌طور کلی، شاه تا حد امکان حوالی مرزها را از سکنه خالی کرده و آنها را به مرکز انتقال داد و زمین‌های دیگری در اختیارشان گذاشت تا هم بقای آنان در مملکت تضمین گردد و هم شهر اصفهان بزرگ‌تر و ثروتمندتر و زیباتر شود» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۳۶). از این‌رو، شاه‌عباس در سال‌های ۱۰۱۳ - ۱۰۱۷ق هزاران نفر از ارامنه را از نواحی مرزی شمال و شمال غربی ایران به مناطق داخلی ایران کوچاند و در شهرهای تبریز، قزوین، گیلان، انزلی، دربند، و کاشان اسکان داد. وی ارامنه جلفای ارس را، که در حدود ۳هزار خانوار بودند، در کنار زاینده‌رود اصفهان اسکان داد. این دسته، به فرمان شاه‌عباس در ساحل زاینده‌رود به یادگار موطن خویش، جلفای ارس، شهری به نام جلفای نو ساختند که به

جلفای اصفهان معروف شد. جمعی نیز در آبادی‌های میان اصفهان و شیراز پراکنده و ساکن شدند و به تدریج با مردم بومی محل در آمیختند.

با این همه، روند مهاجرت ارامنه به داخل ایران مشکلاتی را به همراه داشت. شاه‌عباس که درگیر جنگی بزرگ با عثمانی‌ها شده بود، با فوریت و بدون نقشه‌ منظم دستور مهاجرت ارامنه را صادر کرد که در پی آن هرج و مرج بسیاری در روند مهاجرت پیش آمد. از سوی دیگر تعصب مذهبی قزلباشان، قتل و غارت‌های پراکنده، سرمای زمستان و بینوایی، ناسازگاری‌های آب و هوا و بیماری‌های مسری همه از عواملی بودند که سبب رنج‌ها و تلفات بسیاری در میان ارامنه، چه در طی مهاجرت و چه پس از آن، شدند (رائین، ۱۳۴۹: ۱۷)؛ این تلفات بیشتر در میان مهاجرانی که به مازندران و گیلان کوچانده شده بودند رخ داده بود، زیرا شاه‌عباس چنین می‌اندیشید که اینان در افزایش جمعیت این ناحیه مؤثر خواهند بود، اما به گفته شاردن، آب و هوای بد منطقه به اندازه‌ای با طرح‌های وی منافات داشت که در مازندران طی چهل سال تعداد مسیحیان یادشده به ۴۰۰ خانوار کاهش یافت (شاردن، ۱۳۵۰: ۶-۲۵).

به طور کلی، ارقام دقیقی از تعداد ارامنه مهاجر در دست نیست، اما تاورنیه شمار آنان را ۲۷ هزار خانوار و شاردن حدود ۳۰ هزار خانوار نوشته است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۶؛ شاردن، ۱۳۵۰: ۶-۲۵). به نظر می‌رسد این آمار غیر از آن ۳ هزار خانواری است که از جلفای ارس به جلفای نوین در اصفهان انتقال یافته‌اند، زیرا آن ۳۰ هزار خانواری را که شاردن یاد می‌کند فقط از مناطق ارمنستان و گرجستان به مازندران کوچانده شدند (شاردن، ۱۳۵۰: ۶-۲۵). از سوی دیگر، جمعیت ارامنه جلفای اصفهان، به دلیل توجه خاص شاه و برخورداری از امکانات بهتر رو به افزایش نهاده بود. چنان که در دوره پایانی

### چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۱۳

حکومت صفویان جمعیت جلفا بین ۳۰-۳۵ هزار تن و در تمام ایران نیز شمار آنان تا ۱۷۰ هزار تن برآورد شده است (لاکهارت، ۱۳۶۸: ۸۶؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

شاه عباس به آن عده از ارامنه که به اصفهان انتقال داده بود، طی فرمانی به تاریخ ۱۰۲۸ق زمینی را در کنار زاینده رود برای ساختن خانه واگذار کرد. او در فرمانی دیگر، محفوظ در گنجینه کلیسای وانگ، دستور ساختن کلیسای بزرگ «وانگ» را برای آنان صادر کرده بود (رائین، ۱۳۴۹: ۱۱۴-۱۱۵).

افزون بر اینها، از منابع چنین بر می آید که ارامنه جلفای اصفهان از امتیازاتی برخوردار بودند که دیگر مسیحیان مشرق زمین از آن بهره مند نبودند؛ از جمله این امتیازات آزادی کامل مذهبی در اجرای مراسم و تشریفات دینی و حق ساختن کلیسا و تعمیر معابد بود. آنان در خرید و فروش خانه و ملک آزاد بودند و مانند ایرانیان می توانستند لباس بر تن کنند و از زیورآلات گران بها استفاده کنند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۸؛ لاکهارت، ۱۳۶۸: ۸۶).

در امور حقوقی و قضایی پیرو مقررات شرعی و عرفی ایران نبودند و قاضی و کلانتر را از میان خود بر می گزیدند، همچنین شاه اجازه نمی داد که کسی در قبال آنان اندکی بی عدالتی کند. حتی برای تأمین آسایش ارامنه، اسکان مسلمانان را در جلفا قدغن کرده بود.

کلانتر یا حاکم جلفا، که از ارامنه بود، با موافقت شاه به کارهای حکومتی می پرداخت و تعیین کدخدایان محلات، ریش سفیدان اصناف، رسیدگی به اختلافات کسبه و اصناف، شکایات رعایا و برزگران در مسائل حقوقی و جزایی و جمع آوری مالیات ها و عوارض دیوانی از جمله وظایف وی به شمار می رفتند (رائین، ۱۳۴۹: ۳۰).

## نگاهی به سیاست انحصار ابریشم و پیامد آن

ابریشم در بازرگانی خارجی ایران، به ویژه در دوره شاه‌عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، از جایگاه مهمی برخوردار بود، چنان که این کالای نفیس و استراتژیک می‌توانست سهم در خور توجهی در روابط اقتصادی - سیاسی ایران با دول غرب و شرق داشته باشد. از این‌رو به چند علت مهم درباره انحصاری کردن آن می‌پردازیم؛ نخست اینکه تا پیش از انحصار ابریشم، بخش عظیمی از آن به عثمانی صادر می‌شد، اما انحصاری کردن خرید و فروش ابریشم مانع از صادرات آن به عثمانی شد و در نتیجه می‌توانست به اقتصاد جنگی آن کشور، در جایگاه دشمنی سرسخت، ضربه زند. در همین راستا گفته شد «ابریشم گیلانات را به جهت صلاح مملکت که مبادا تجار به جانب روم برند و به جهت دخل تمغا منافع عظیم عساکر ایشان شود قرق نموده بودند» (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۹)، دیگر اینکه انحصار به افزایش صادرات و ایجاد موازنه در بازرگانی خارجی، به‌ویژه با شرق (هندوستان)، افزایش واردات فلزات گران‌بها و مسکوکات و در نتیجه افزایش درآمد شاه برای سامان‌دهی تشکیلات اداری منجر می‌شد، همچنین انحصار نوعی مقابله با یکه‌تازی‌های پرتقالی‌ها در تجارت خلیج فارس، به ویژه در زمینه خرید و فروش ابریشم، به شمار می‌رفت. بدین سان، انحصار می‌توانست بر روابط خارجی ایران تأثیرگذار باشد. البته انحصار تنها در برگیرنده ابریشم نبود، بلکه کالاهای دیگری چون فیروزه خراسان و مروارید بحرین (به علت کمبود معادن طلا و نقره در ایران) و شوره شهر لار را دربر می‌گرفت. صدور اسب نیز به نوعی در انحصار شاه بود و می‌بایست با اجازه وی انجام می‌شد (فلسفی، ۱۳۵۳: ۱۴).

هر چند که سیاست انحصار ابریشم پیروزی بزرگی برای شاه بود، پیامدهای ناخوشایندی نیز به همراه داشت؛ از جمله این پیامدها ناخشنودی تولیدکنندگان ابریشم



## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۱۵

از محدودیت ایجاد شده در بازار آزاد این کالا بود که در تولید آن نیز تأثیر داشت؛ خریداران آزاد ابریشم باید مالیات سنگینی می‌پرداختند، چنان که خرید یک بار ابریشم برای صادرات ۱۲ تومان و برای مصرف داخلی ۴ تومان مالیات داشت (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۷). در چنین شرایطی، تولیدکنندگان ابریشم ناگزیر بودند که آن را نزدیک به نصف بهای واقعی به شاه بفروشند. در حالی که شاه ابریشم را به هر بهایی که می‌خواست به مشتریان خارجی می‌فروخت. از این‌رو، سیاست انحصار سبب نارضایتی رعایا و کاهش تولید ابریشم شد.

منابع، شورش رعایای گیلانی به رهبری غریب‌شاه را از پیامدهای انحصار می‌دانند. این شورش که کمتر از سه ماه پس از مرگ شاه‌عباس روی داد، به سرعت گسترش یافت و طی آن شورشیان به انبارها و اموال خاصه در رشت و لاهیجان یورش بردند و آنها را غارت کردند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰-۵۳). هر چند این شورش پس از درگذشت شاه‌عباس روی داد، به نظر می‌رسد جانشین وی، شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)، مدت‌ها پیش از آن عمق این نارضایتی‌ها را دریافته بود. از این‌رو، او در همان روزهای نخستین سلطنت خود فرمان لغو انحصار را صادر کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۹). با این همه این فرمان نتوانست مانع شورش شود، اما با شکسته‌شدن انحصار، تولید ابریشم نیز رو به افزایش نهاد. چنان که مقدار آن در ۱۶۳۷م. به ۲۰ هزار عدل<sup>۱</sup> و در دهه ۱۶۷۰م یعنی در دوره شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ق)، به ۲۲ هزار عدل رسید (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۳۲۰؛ شاردن، ۱۳۵۰: ۳۶۹). لغو انحصار، افزایش تولید را در پی داشت، اما در این زمان عوامل دیگری بر تجارت ابریشم صدمه زدند، عیار پول ایران

---

۱. هر عدل را اولناریوس ۲۱۶ پوند و شاردن ۲۷۶ پوند نوشتند که برابر با ۳۶ من بود. البته وزن یک من در این دوره در سراسر ایران یکسان نبود. یک من در تبریز ۳ کیلو، در گیلان ۶ کیلو و در شماخی و قراباغ ۸ کیلو بوده است.

در این دوره خراب شد و از سوی دیگر حکومت مغولی هند پوشیدن زربفت‌های ایرانی را برای رعایای خود قدغن کرد و دیگر همسایگان ایران نیز چندان استقبالی از پارچه‌های ابریشمی ایران نمی‌کردند (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۹۱). در اروپا هم ابریشم ایران با رقیبان سرسختی چون ابریشم سوریه، ایتالیا و عثمانی دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

### علل به کارگیری ارامنه در بازرگانی خارجی

هنگامی که شاه‌عباس تجارت ابریشم را به انحصار خود در آورد، چند عامل سبب شد که وی بازرگانی خارجی آن را به ارمنیان واگذار کند. او پیش از این دریافته بود که تجارت در نواحی دور دست، به‌ویژه در کشورهای مسیحی‌نشین اروپایی، توانایی‌ها و شرایط خاصی را می‌طلبد که بازرگانان ایرانی آن را ندارند. برای مثال، او در ۱۰۱۷ ق دنگیزیگ روملو، از قزلباشان نامی را با فردی پرتغالی به نام آنتونیو دوگوویا در مقام سفیر و به منظور برقراری اتحاد علیه ترکان عثمانی و توسعه روابط تجاری نزد فیلیپ، پادشاه اسپانیا فرستاد. شاه افزون بر هدایا ۵۰ عدل ابریشم نیز برای بازاریابی و فروش آن در اسپانیا به همراه سفیر فرستاده بود، اما این فرستاده به جای فروش ابریشم و برگرداندن بهای آن به خزانه تمامی آن را بر اثر اغوای همراه پرتغالی‌اش به پادشاه اسپانیا پیشکش کرد (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۰۰). به‌علت اشتباه‌های دیگری که وی مرتکب شده بود، پس از ورود به ایران به مرگ محکوم شد. شاه بار دیگر تاجرزاده‌ای اصفهانی را آزمود و وی را با مقدار فراوانی ابریشم برای تجارت به ونیز فرستاد، اما او نیز آزمونی بهتر از آن سفیر پس نداد و پس از فروش ابریشم، با پول آن به عیش و نوش پرداخت و در آنجا حکومت ونیز باقی‌مانده اموال تاجر عیاش را توقیف کرد و موضوع را به آگاهی پادشاه ایران رساند. شاه‌عباس طی فرمانی به تاریخ ۱۰۱۸ ق خواجه صفر ارمنی را با

### چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۱۷

شخصی دیگر مأمور پی‌گیری و دریافت اموال باقی‌مانده شاهی کرد (مکاتبات شاه‌عباس، نسخه عکسی: ۷). چنین رویدادهایی از اطمینان شاه‌عباس به بازرگانان ایرانی کاست. مسلمانان به دلایل مذهبی و دشواری در ادای مراسم دینی در کشورهای غیرمسلمان و مسئله ربا با مشکلات و موانعی در بازرگانی خارجی مواجه می‌شدند، بنابراین چندان تمایلی به بازرگانی با ملل غیرمسلمان در سرزمین‌های دوردست نداشتند (شاردن، ۱۳۵۰: ۳۶۷). شاردن در این باره نوشته است که در این دوره روی هم رفته مسلمانان، بازرگانان عمده آسیا را تشکیل نمی‌دادند؛ در ترکیه سر رشته تجارت خارجی بیشتر در دست مسیحیان و یهودیان و در ایران نیز به دست مسیحیان و هندیان غیر مسلمان بود. ایرانیان بیشتر به بازرگانی در ایالات و ولایات کشور خود و نیز تا حدی در تجارت با هندوستان فعال بودند، اما ارامنه تمام تجارت با اروپا را در دست داشتند (شاردن، ۱۳۵۰: ۳۶۷).

ارامنه پیش از آنکه توسط شاه‌عباس به کار تجارت گمارده شوند، تجربه لازم را در این زمینه به دست آورده بودند. بسیاری از آنان سراسر اروپا را گشته و به مخاطرات بازرگانی در کشورهای دوردست آگاهی یافته بودند. در کنار این تجربیات، خصوصیات فردی و سخت‌کوشی‌شان بود که آنان را از هر لحاظ برای بازرگانی در سرزمین‌های دیگر مناسب‌تر می‌نمود. ارامنه افرادی صرفه‌جو، سخت‌کوش، باهوش و در مسافرت‌های طولانی سریع‌السير و خستگی‌ناپذیر بودند. از لحاظ زبان نیز بر بازرگانان ایرانی برتری داشتند و چون مسیحی بودند، بهتر می‌توانستند در میان اروپائیان مسیحی بازاریابی کنند (Cambridge, 1986 : 454-5).

تاورنیه، بازرگان جهان دیده درباره ویژگی‌های ارامنه نوشته است «ارامنه به واسطه امساک فوق العاده و قناعتی که دارند یا از روی صفات نیکو یا خست، به هرحال

وجودشان در کار تجارت بسیار مفید است. وقتی که برای سفرهای طولانی از خانه خود بیرون می‌روند، آذوقه و ذخیره‌ای که با خود بر می‌دارند عبارت است از نان خشک، گوشت دود زده، پیاز، روغن داغ کرده، آرد، شراب و آجیل. وقتی به شهری می‌رسند که باید چند روز در آنجا اقامت نمایند، پنج شش نفرشان شریک شده یک اتاق خالی کرایه می‌کنند و فوراً با تشک و گلیم و فرش‌ی که همراه دارند آن را مفروش می‌نمایند و این خود برای صرفه‌جویی کمک بزرگی است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۶). در واقع، قناعت ارامنه را می‌توان از علل مهم کامیابی آنان در کار تجارت به شمار آورد. همچنین در این باره آورده‌اند: «از خانه با تعدادی تخم‌مرغ پخته و مقداری شراب حرکت می‌کنند و با آن اصفهان تا بندر را طی می‌نمایند ... آنان در تجارت مانند کشتی‌های تجاری مسلحی‌اند، نه خرید می‌کنند و نه خرج. آنان توسط برخی ولی‌نعمتان خود وارد صحنه تجارت می‌شوند و با پول آنها به تجارت پرداخته، پس از مراجعت یک چهارم عواید را خود بر می‌دارند. با چنین آغازی، آنان گاهی به موفقیت‌های بزرگی برای خود و اربابانشان دست می‌یابند» (Fryer, 1912 : 249).

چنین ویژگی‌ها و دلایلی موجب شد که شاه‌عباس ارامنه را در بازرگانی خارجی به خدمت خویش درآورد؛ کسانی از ارمنیان را که شایسته‌تر تشخیص می‌داد انتخاب می‌کرد و به هر یک به اندازه استعداد او بارهای ابریشم را تحویل می‌داد تا در کشورهای دیگر بفروشند. ارامنه، پس از بازگشت، بهای ابریشم را به نرخ‌ی که شاه تعیین کرده بود می‌پرداختند و از سود آن هزینه‌های سفر و مزد خویش را بر می‌داشتند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۵). بدین سان آنان با کمک شاه در چرخه بازرگانی خارجی به کار گرفته شدند و به سرعت به واسطه زیرکی و درست‌کاری خویش در رشته‌های گوناگون بازرگانی پیشرفت چشم‌گیری کردند. چنان که خواهیم دید ارامنه حوزه‌های بازرگانی خود را نه تنها به

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۱۹

کشورهای اروپایی، بلکه تا دورترین قلمروهای آسیا، مانند هندوستان و تنکن و جاوه و فیلیپین نیز گسترش دادند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۵-۴۰۶).

### کارکرد ارامنه در بازرگانی خارجی

تجارت داخلی ایران بیشتر در دست عناصر ایرانی و غیر ایرانی، یهودیان و دیگر اقلیت‌ها بود، اما تجارت خارجی اغلب در دست ارامنه بود که کارگزاران پادشاه و بزرگان مملکتی به‌شمار می‌رفتند و بیشترین سهم تجارت ابریشم ایران را با کشورها و مراکز مهم دادوستد جهان آن روز در دست داشتند.

تا هنگامی که تجارت ایران با هند و آسیای مرکزی از راه افغانستان انجام می‌شد، بازرگانان ارمنی در مراکز تجاری ترانزیتی مهم چون کابل و قندهار و هرات مستقر بودند (Gregorian, 1974 : 668). تجارت ارمنیان با هند هم به کوشش خودشان و هم با کمک کمپانی‌های هلندی و انگلیسی انجام می‌شد؛ خواجه نظر، از بزرگان جامعه ارمنی جلفای اصفهان در ۱۶۲۰م از کمپانی هند شرقی انگلیس تقاضای همکاری برای حمل بازرگانان و مال‌التجاره‌های شان به هندوستان و سورات کرده بود (سلطانیان، ۱۳۸۸: ۶۵). تا ۱۶۳۰م بسیاری از ارامنه در بندر عباس مستقر شدند و شبکه‌های تجاری گسترده‌ای در سراسر هند و هندوچین داشتند. خواجه میناس از اهالی اصفهان و بازرگان صاحب‌نامی در سورات بود که در دهه ۱۶۶۰م در سطح وسیعی تجارت می‌کرد. او سرمایه نقدی کلانی داشت و ضمن اجاره کشتی‌های انگلیسی خود تعدادی کشتی تجارتي در اختیار داشت (سلطانیان، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۶).

در خاک روسیه فعالیت‌های تجاری ارامنه رواج داشت و در ۱۶۶۷م، ارامنه فرصت بهتری برای تجارت در روسیه به دست آوردند. تزار روس «آلکسی میخائیلویچ» پس از

آنکه بر سوئدی‌ها غلبه کرد، بازرگانان هلندی و فرانسوی و انگلیسی مستقیم از طریق روسیه وارد صحنه تجارت شرق شدند. چنین وضعی به بازرگانان ارمنی این فرصت را می‌داد تا از راه آستراخان در خاک روسیه سفر کنند و کالاهای ایرانی، به ویژه ابریشم را به خریداران اروپایی بفروشند. موقعیت انحصاری بازرگانان ارمنی در خاک روسیه، پس از ۱۶۸۸م، هنگامی استوارتر شده بود که آنان قراردادی تجاری با سوئد بسته بودند، مبنی بر اینکه از راه روسیه به اسکاندیناویا<sup>۱</sup> کالا صادر کنند (Gregorian, 1974: 670). کشور دیگری که ارامنه به فعالیت تجاری در آن تمایل داشتند، کشور عثمانی بود. روابط تجاری ایران و عثمانی جز در مواقع جنگ‌ها و ناامنی‌ها کم و بیش برقرار بود. ارامنه برخلاف تمایل شاه‌عباس به منحرف کردن تجارت از مسیر عثمانی به راه‌های دریایی، همچنان به ادامه تجارت با آن کشور از راه‌های سنتی اصرار می‌ورزیدند، زیرا نه تنها شهرهای عثمانی مراکز مهمی برای دادوستد با اروپاییان و ونیزیان به شمار می‌رفتند، بلکه نیاز کارگاه‌های بافندگی آن کشور به ابریشم ایران نیز اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. بازرگانان ارمنی در «ازمیر»، از مراکز مهم بازرگانی عثمانی، ابریشم ایران را به فرانسویان می‌فروختند، زیرا فرانسویان برخلاف انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بهای ابریشم را نقد می‌پرداختند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۹۳-۹۴). علاوه بر ازمیر، روم و حلب و بنادر شرقی دریای مدیترانه از مراکزی بودند که بازرگانی در آنها جنبه بین‌المللی داشت و ارامنه از طریق این مراکز، هم با عثمانی‌ها و هم با بازرگانان اروپایی، دادوستد می‌کردند.

ارمنیان ایرانی با بازرگانان ونیزی همکاری و مشارکت داشتند. آنان با همکاری یکدیگر ابریشم ایران را، از طریق آسیای صغیر و دریای مدیترانه به بندر ونیز یا به مراکز بازرگانی آن کشور در کرانه‌های دریای مدیترانه، دریای سیاه و شبه جزیره کریمه انتقال

۱. اسکاندیناویا (Scandinavia): شامل کشورهای نروژ و سوئد و دانمارک است.

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۳۵۳

می‌دادند و از آن نقاط ابریشم را به کشورهای بزرگ اروپایی مانند اسپانیا، لهستان، مجارستان، فرانسه، هلند و انگلستان می‌فرستادند. تجار ارمنی در شهرها و بنادر بزرگ اروپا، مانند «لیورنو» و «ونیز» و «آمستردام»، مراکز و نمایندگی‌های تجاری خود را تأسیس کرده بودند. به همین دلایل آنان به صدور ابریشم از راه‌های آسیای صغیر و خاک عثمانی، راهی آسان‌تر و نزدیک‌تر، تمایل بیشتری نشان می‌دادند (فلسفی، ۱۳۵۳: ۱۰۵). افزون بر این، از راه‌های دریایی با کشتی‌هایی که خود داشتند و یا با کرایه کردن کشتی از کمپانی‌های انگلیسی و هلندی ابریشم و سایر کالاها را به هند و اروپا صادر می‌کردند.

ارمنیان با هماهنگی و همکاری یکدیگر، شبکه گسترده‌ای در تجارت بین‌المللی از شرق تا غرب تشکیل داده بودند و قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی را به وجود آورده بودند. ارامنه چون در بازرگانی و اقتصاد کشور سهم درخور توجهی داشتند، شاه نمی‌توانست در تصمیمات سیاسی - اقتصادی خود آنان را نادیده بگیرد. با چنین جایگاه و اهمیتی که یافته بودند، کمپانی‌های انگلیسی و هلندی و فرانسوی نیز هر کدام همواره ترجیح می‌دادند در مسائل گوناگون به گونه‌ای با بازرگانان ارمنی کنار آیند و روابط خود را با آنان بهبود بخشند تا همکاری بیشتر آنان را جلب کنند، زیرا نه تنها توان رقابت و مخالفت با ارامنه را نداشتند، بلکه چنین روش‌هایی را به سود خود نمی‌دیدند. برای مثال در ۱۶۱۸م هنگامی که شاه‌عباس فروش ابریشم را به مزایده گذاشته بود، ارامنه با کوشش‌های عمال انگلیسی برای خرید آن به مقابله برخاستند و بهای آن را تا ۵۰ تومان در هر عدل افزودند، در نتیجه انگلیسی‌ها و هلندی‌ها به ناچار از خرید ابریشم در آن سال چشم پوشیدند (Cambridge, 1986: 455). فعالیت و رقابت گسترده بازرگانان ارمنی در ماریسی فرانسه، در ۱۶۲۱م، خشم بازرگانان فرانسوی را برانگیخت. گروهی

## ۱۲۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

بانفوذ از ارمنیان در آمستردام، طی قرن یازدهم هجری قمری / هفدهم میلادی و سال‌های درازی از قرن هیجدهم میلادی موفق شدند که موقعیت بازرگانی خود را مستحکم کنند. بدین‌سان ارامنه موقعیت تجاری خود را در صحنه بازرگانی بین‌المللی، با وجود رقابت‌های سخت کمپانی‌ها و بازرگانان بیگانه حفظ کردند و عناصری بنیادی در روند بازرگانی خارجی ایران عصر صفوی شدند. ارامنه از این راه توانستند به ثروت‌های هنگفتی دست یابند؛ به‌گونه‌ای که بعد از مرگ بسیاری از آنان «از دو الی ۲۰ هزار تومان ارث گذاشته بودند». از معتبرترین ایشان خواجه بطروس بود که پس از فوت، ۴۰ هزار تومان پول مسکوک نقد، غیر از خانه‌های شهری و بیلاقی و جواهرات و ظروف طلا و نقره و اثاث منزل نفیس برجای گذاشته بود (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۰۶). موفقیت ارامنه در بازرگانی خارجی این دوره، افزون بر تجارب و توانایی‌های فردی آنان که در پیش اشاره شد، به چند عامل خارجی دیگر بسته بود:

الف) با پشتیبانی و حمایتی که شهرباران صفوی از ارامنه جلفای اصفهان می‌کردند، ارامنه نیز دلگرم شدند و خود را تابع ایران و تجارت را منبع درآمد مهمی برای کشور خود می‌دانستند.

ب) ارامنه توانایی بسیاری در رقابت با کمپانی‌های بزرگ خارجی داشته‌اند. برای مثال، رویداد مهم ۱۶۱۸م سبب شد که نه تنها کمپانی انگلیسی در رقابت با ارامنه انحصار صدور ابریشم خام به اروپا را از دست دهد، بلکه از آن پس دیگر اروپائیان هم در مزایده‌های شاه‌عباس برای فروش ابریشم حریف آنان نشدند و در نتیجه انحصار صدور ابریشم را از دست دادند.

ج) بازرگانان ارمنی جلفای نو توانایی‌های خاصی را برای تجارت، هم در مسیرهای مهم خشکی و هم در مسیرهای دریایی داشتند. از این رو در تمام مسیرهای تجاری بین



### چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۲۳

ایران و هند، هندو عثمانی، آسیای مرکزی و عثمانی، ایران و اروپا، و ایران و روسیه فعال شده بودند (Gregorian, 1974: 669).

ارامنه در تجارت داخلی با ایجاد دکان‌هایی در بازارها همراه با شبکه ارتباطی منظم در سراسر کشور فعال و با هم در تماس بودند. در برابر این یگانگی و انحصار ارامنه، کوشش‌ها و رقابت‌های بازرگانان انگلیسی و هلندی چندان سودمند نبود (Cambridge, 1986: 457-8). ارامنه در اصفهان بازاری به نام خود داشتند که در دهانه ورودی بازار اصفهان واقع بود. در این بازار، ماهوت‌های انگلیسی و هلندی و ونیزی همراه با برخی اجناس دیگر که مورد توجه ایرانیان بود، به مشتریان عرضه می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۸۸-۳۸۹). پس از مرگ شاه‌عباس یکم در ۱۰۳۸ ق، تغییراتی در وضع ارمنیان و بازرگانی خارجی ایران روی داد. یکی آنکه سیاست انحصار ابریشم را جانشین وی، شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) لغو کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۹)؛ دوم، سیاست شاه‌عباس مبنی بر تمرکز تجارت از راه‌های دریایی به دلیل اینکه چندان مورد علاقه ارامنه نبود اهمیت خود را از دست داد. از این رو از حجم تجارت دریایی کاسته شد، اما ارامنه با قدرت بیشتری به صادرات و واردات از راه‌های خشکی پرداخته بودند. این تغییر مسیر زیان‌هایی برای تجارت کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند به همراه داشت.

### علل ضعف اقتصادی و اجتماعی ارمنیان در روزگار پایانی صفویان

از منابع چنین بر می‌آید که آزادی و عزت ارامنه تا چندی پس از شاه‌عباس یکم همچنان ادامه داشت، اما پس از آن به تدریج بر اثر تعصبات مذهبی یا ضعف سیاسی برخی جانشینان وی ارامنه با تنگناهایی مواجه شدند. به نوشته سانسون در دوران شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۰۵۱ ق) مسیحیان بنا به تعداد افرادشان از پانزده سالگی باید مبلغی

جزیه می‌پرداختند (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۳۴). هرچند که سانسون در مجموع از رفتار شاه‌سلیمان در قبال مسیحیان راضی به نظر می‌رسد، وی نمی‌تواند رفتار زشت برخی مقامات را نادیده بگیرد، همچنین کمپفر داستان ۲۱ دوشیزهٔ ارمنی را بیان می‌کند که شاه‌سلیمان فریب‌کارانه آنان را به کمک کلانتر جلفا ربود و به حرمسرای خود برد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۲). وزیر اعظم شاه، شیخ علی‌خان زنگنه، در آغاز به اقلیت‌ها سخت می‌گرفت. او در برابر حقی که به ارامنه برای ادای آداب و مناسک دینی شان داده بود، مالیات جدیدی به مبلغ ۲۰۰ تومان برای آنان بست (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۶-۱۸۷).

از زمان شاه سلیمان، اذیت و آزار و تبعیض‌ها و تعصبات مذهبی در قبال ارامنه رفته‌رفته روبه فزونی نهاد و مالیات‌های سنگین‌تری بر آنان بسته شد. ارامنه گه‌گاه بر اثر طغیان مردم متعصب، یا بر اثر قانونی که به نومسلمانان حق دعوی به دارایی خویشاوندان خود می‌داد به زحمت و رنج می‌افتادند (لاکهارت، ۱۳۶۸: ۸۶). چنین شرایطی همراه با رقابت‌های تجاری در میان برخی ارامنه سبب شد که بنیادهای استوار اجتماعی و اقتصادی آنان در اصفهان تضعیف شود. گفته شد سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) پادشاهی مهربان بود و درصدد تجدید امتیازات مسیحیان بر می‌آمد، اما وی تحت تأثیر اطرافیان متعصب خود قرار داشت که دیدگاه‌هایش را تغییر می‌دادند. البته این نوع تنگناها در دورهٔ پایانی صفویان منحصر به اقلیت ارمنی نبود، بلکه یهودیان و هندیان و دیگر اقلیت‌ها هم تحت فشار قرار گرفته بودند. با وجود این مجتهدان و روحانیان شیعه به مسیحیان در مقایسه با زرتشتیان و یهودیان کمتر خشونت می‌ورزیدند (لاکهارت، ۱۳۶۸: ۸۶).

در چنین شرایطی و در حالی که موقعیت اقتصادی-اجتماعی ارامنه روبه ضعف می‌نهاد، قدرت‌های اروپایی و کمپانی‌های هند شرقی تهاجم گسترده‌ای را برای تصرف

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۲۵

بازارهای ایران آغاز کرده بودند. سلاطین دوره پایانی صفوی، شاه سلیمان و سلطان حسین، نه تنها از این دگرگونی‌ها آگاه نبودند، بلکه توانایی رویارویی با آنها را نداشتند و به جای آنکه پشتیبان همیشگی ارامنه باشند، سیاست‌های نابخردانه‌ای در پیش گرفتند و آنان را وادار به پذیرش اسلام می‌کردند یا آشکارا به اذیت و آزارشان بر می‌آمدند. از این رو، دیگر عملکرد جلفای نوین به صورت بازوی اقتصادی پادشاهان صفوی نبود (Gregorian, 1974: 671). چنین حوادثی در حالی روی می‌داد که قدرت نوینی در روسیه، همسایه شمالی ایران در حال ظهور بود و قدرت کمپانی هند شرقی انگلیس نیز در هند رو به فزونی نهاده بود. این دو در اندیشه غلبه بر ارامنه و یا در صورت امکان به خدمت گرفتن آنان بودند.

هنگام محاصره اصفهان به دست افغانان، ارامنه بسیار اذیت و آزار شدند. پیش از ورود افغانان به اصفهان ارامنه از شاه سلطان حسین خواستند که دست کم به آنان اجازه داده شود تا از اصفهان دفاع کنند، ولی شاه به تقاضای آنها اعتنایی نکرد. در چنین شرایط بحرانی درباریان شاه به منظور سودجویی از ارامنه، که هنوز بازرگانان ثروتمندی به شمار می‌رفتند، آنان را تحت فشار و آزار قرار می‌دادند (گیلانتر، ۱۳۴۴: ۳۷؛ کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۵۵). تقاضای پیاپی ارمنیان برای دفاع از اصفهان، بی‌نتیجه مانده بود و قزلباشان فریب کارانه آنان را برای دفاع از سرای شاه به اصفهان فراخواندند، اما در آنجا نیز ارمنیان را پس از خلع سلاح رها کردند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۵۵). چنین رفتارهایی سبب شد که ارامنه در برابر یورش افغانان بی‌اعتنا بمانند، هرچند که گزارشی حاکی از مقاومت آنان در برخی منابع ذکر شده است.

در روزگار استیلای افغانان بر اصفهان، ارامنه با زهم رنج‌های بیشتری را متحمل شدند. گفته می‌شود که پس از اشغال اصفهان به دست محمود، وی بر ارمنیان،

اروپاییان، مسلمانان و مولتانیان جریمه‌ها و مالیات‌های سنگینی بست. او به بهانه‌های گوناگون از ایشان پول نقد، پیش‌کش و خلعت می‌ستاند. محمود نخست گرمی به مبلغ ۷۰ هزار تومان بر ارامنه جلفا بست که ۱۷ هزار تومان آن را به نقد دریافت کرد و باقی را سند گرفت، اما چون ارامنه در زمان تعیین شده نتوانستند مانده آن را بپردازند، چهار تن از سران آنها را که یکی کلانتر جلفا بود، کشتند تا توانستند ۵۳ هزار تومان دیگر را بستانند. افزون بر این، دکان‌هایی را که صاحبان آنها در اصفهان کشته شده یا گریخته بودند، به‌دستور محمود گشودند و غارت کردند (گیلانتر، ۱۳۴۴: ۹۱-۹۲). بدین ترتیب منابع مالی ارامنه سخت کاهش یافت و سرانجام بسیاری از آنان به تنگدستی و بیچارگی افتادند.

#### نتیجه

در پی استراتژی نظامی شاه‌عباس یکم در مناطق مرزی شمال غرب ایران، ارمنستان، گرجستان و ارس مبنی بر محو امکانات در مسیر دشمن، وی ارامنه را به دیگر مناطق ایران کوچاند. گروه‌هایی از ارمنیان جلفای ارس که به اصفهان انتقال یافته بودند، مورد عنایت خاص شاه‌عباس قرار گرفتند. از سویی وی به منظور پیشبرد اهدافی که در زمینه‌های نظامی و اداری داشت و برای جلوگیری از صدور انبوه ابریشم به کشور دشمن (عثمانی)، تجارت این کالای استراتژیک را به انحصار خویش درآورد. شاه‌عباس یکم برای اجرای سیاست انحصار، ارامنه را به دلیل تجربیاتی که در بازرگانی خارجی داشتند و دانستن زبان و هم‌کیشی آنان با اروپائیان مسیحی و توانایی‌های دیگری که آنان را در بازرگانی از مسلمانان ممتاز می‌کرد، به خدمت خویش درآورد. ارامنه با یگانگی و پشتکاری که داشتند، به سرعت شبکه گسترده‌ای از بازرگانی را در بسیاری از

## چگونگی مهاجرت ارامنه و کارکرد آنان در بازرگانی خارجی ایران در ... ۱۲۲

کشورهای شرقی و غربی تشکیل دادند و با کمپانی‌های هند شرقی اروپا پیروزمندانه به رقابت برخاستند. کوشش‌های تجاری آنان سبب شد تا پول و فلزات قیمتی بیشتری وارد کشور شود و در موازنه تجاری ایران با شرق و غرب تعادل برقرار شود. بنابراین، هم خود ثروتمند شدند و هم کشور را از سود به دست آمده بهره‌مند ساختند، اما در روزگار پایانی صفویان و هجوم افغانان موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی خود را از دست دادند و به رنج و مصیبت بسیاری گرفتار شدند.

### منابع و مأخذ

- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه مسکو و ایران*، ترجمه: احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- تاورنیه، ژان بابتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، چ دوم، ترجمه: ابوتراب نوری، تصحیح: شیروانی، تهران: سنایی.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸)، *خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی)*، تهران: علمی.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸)، *سفرنامه*، ترجمه: شعاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رائین، اسمائیل (۱۳۴۹)، *ایرانیان ارمنی*، تهران: چاپخانه تهران مصور.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، *وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی (سفرنامه سانسون)*، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.
- سفر نامه‌های ونیزیان در ایران (۱۳۸۱)، چ دوم، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۸۸)، «روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفویه»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دهم، شماره ۴۰، تهران.
- سیوری، راجر (۱۳۶۶)، *ایران عصر صفوی*، چ دوم، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: سحر.

## ۱۲۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

شاردن، ژان (۱۳۵۰)، سیاحت‌نامه شاردن، ج ۴، چ دوم، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

فلسفی، نصراله (۱۳۵۳)، «تجارت ابریشم در زمان شاه‌عباس اول»، مجله وحید، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱ و ۲.

کروسینسکی، تادوزیودا (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه: عبدالرزاق دنبلی (مفتون)، تصحیح: مریم میراحمدی، تهران: توس.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه به ایران، چ سوم، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

لاکهارت، لارنس (۱۳۶۸)، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، چ سوم، ترجمه: مصطفی قلی‌عماد، تهران: مروارید.

مکاتبات شاه عباس، نسخه عکسی، ۳ ج، به شماره‌های ۴۸۳۶، ۴۸۳۷ و ۴۸۳۸، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

Cambridge, **History of Iran** (1986), Vol. 6, London: University Press

Fryer, John (1912), **A New Account of East India and Persia**, 2 Vol., Vol. 2, London: Hakluyt Society.

Gregorian, Vartan (1974), « **Minorities of Isfahan (Armenian Community of Isfahan 1587-1722)** », Iranian Studies, Vol. 7.